

تصهیمات قضائی

پرونده فرجامی ۴/۱۱۱۶ کک شعبه دوم دیوانعالی کشور

تاریخ رسیدگی ۱۱/۱۰/۴۱

هیئت دادرسان آقایان فتح الله فرزار رئیس تقی خستو مستشار عبدالله خلیل ناجی

مستشار

فرجامخواهان ۱ - مهندس عباس خاتمی . ۵ ساله فرزند زین العابدین ۲ مهندس

علی اصغر بنائی ۳۸ ساله فرزند حاج غلامحسین

فرجامخواندگان دادررای استان مرکز- آقای داود معنوی با وکالت آقای سید

مرتضی زنجانی

فرجامخواسته حکم شماره ۱۲۸ - ۱/۳/۸ شعبه دوم دادگاه جنائی مرکز

جریان پرونده دوفر فرجامخواهان باتهام اظهار عقیده برخلاف مشهودات خود در

تاریخ ۱۴/۲/۳۵ در تهران مورد تعقیب دادررای تهران و صدور کیفرخواست مورخ

بوکالت از آقای داود معنوی دادخواست ضرروزیان بخواسته مبلغ یک میلیون ریال بطرفیت

فرجامخواهان مزبور تسلیم گردیده و شعبه دوم دادگاه جنائی مرکز با انجام تشریفات

مقرر و صدور قرار تکمیل پرونده در جلسه مقدماتی سه نفری وتشکیل وتجدید جلسات فوق العاده

دادرسی و اقدام برسیدگی در جلسات علنی واعلام پایان دادرسی بارد انکار ومدافعات متهمان

باینکه بر حسب وظیفه محول از طرف شعبه دهم دادگاه استان مرکز اقدام بترسیم نقشه

جاده فیروز بهرام حدفاصل بین قلعه سلیمان خان وخرگوش دره که منطبق با محتویات پرونده

ثبتی ونقشه های موجود در ثبت طبق واقع امر نموده اند وبا توجه بمشاهدات مورخه ۳/۷/۷

بازپرس درمحل ونظریه مستدل آقایان مهندس متین ومروارید وگرا نپایه کارشناس منتخب

بازپرس و اظهارات مورخ ۲۲/۹/۳۷ آقای حیدری نماینده ثبت وآقای مهندس سجادی

مهندس اداره ثبت در زمینه عدم تطبیق نقشه ترسیمی متهمان بانقشه پرونده ثبتی واختلاف

مساحت بین میله های ۳ و ۴ و ۵ و وقوع اطاق خرابه طرف در شرق جاده فیروز بهرام بکن

برخلاف نقشه ترسیمی متهمان وغیرموجه بودن مدافعات آنان در زمینه عدم توجه بفاصله

بین میله های ۳ و ۴ با ملاحظه نامه که خود متهمان در مقام مطالبه دستمزد ترسیم نقشه

عمومی دولک بداد گاه نوشته اند وهمچنین قرار مورخ ۲۶ بهمن ماه ۳۳ که موضوع ارجاع

امر به کارشناس و خروج چاهها وقنوات از محدوده حسین آباد برخلاف متن صورت مجلس

تجدید حدود قلعه سلیمان خان وغیرقابل قبول بودن مدافعات متهمان در این زمینه باتوجه

بشغل وسمت بصیرت آنان بوجود اختلاف بین طرفین دعوی وترسیم نقشه جاده بدون رعایت

حقوق ارتفاقی ملک مجاور که جز بر اظهار نظر خلاف واقع بچیز دیگر حمل نتوان کرد و

ضرورت توجه بفاصله میله چهار ناسه از لحاظ تعیین مشخصات میله چهار ووجود پاکنه

مشهود از ناحیه بازپرس وسایر دلایل ومجموع محتویات پرونده جنائی وحقوقی وثبتی وصورت

مجلس تجدید حدود مورخ ۹/۳/۳۵ قلعه سلیمان خان واوضاع واحوال قضیه وقرائن وامارات

مربوطه برداد گاه صادر کننده حکم قطع و یقین حاصل شده که آقایان مهندس بنائی و مهندس خاتمی مبادرت به تنظیم نقشه برخلاف واقع نام جاده فیروز بهرام بکن با سوه نیت نموده اند و چون نظریه آنان در حکم داد گاه (شعبه ۵ استان) در مقام رسیدگی با اعتراضات بنظریه مزبور مؤثر واقع شده نامبردگان با استناد ماده ۲۸ قانون کارشناس مصوب بهمن ماه ۱۳۱۷ قابل مجازات تشخیص و بارعایت ماده ۴۴ قانون مجازات عمومی هر کدام بششماه حبس تادیبی با احتساب بازداشت گذشته و در مورد دادخواست ضرر و زیان معنوی مدعی خصوصی بوکالت آقای زنجانی بخواسته یک ماهیون ریال ضرر و زیان مادی با استناد اینکه مبلغ مزبور حداقل ضرر و زیان متوجه می باشد هر کدام از متهمان بالمناصفه پیرداخت (هریک پانصد هزار ریال) در حق خواهان محکوم و دستور ضبط نقشه مربوط صادر گردیده و محکوم علیهما حین اعلام رای تقاضای رسیدگی فرجامی نموده و اعتراضات فرجامی ضمن لوایح متعدد و مفصله مضبوط در پرونده خلاصه بر مخدوش بودن مستند حکم فرجام خواسته در قسمت عدم تطبیق نقشه تنظیمی متهمان با نقشه های ثبتی که اساساً وجود ندارد از پرونده ثبتی حسین آباد سرقت شده و نقشه های دیگر نیز هیچیک نقشه ثبتی نیست تا عدم انطباق نقشه ترسیمی فرجام خواهان با آنها دلیل جرم تلقی گردد و نظریه متهمان از هر جهت با نظریه کارشناسان و هیئت پنج نفری و کارشناسان ده سال قبل ثبت اسناد و همچنین نقشه و نقشه و نظریه سه نفر کارشناسان منتخب اخیر بازپرسی مطابقت دارد و گناهی مرتکب نشده اند در صورت مجلس تعیین وقت رسیدگی داد گاه تحریف و وقت مرداد بخرداد تبدیل و تفسیر یافته شرکت یکی از مستشاران در جلسه رسیدگی برخلاف مقرر بوده بدون رعایت مقررات جلسه مقدماتی که ملاحظه نقشه شماره ۳ ضروری تشخیص داده اند قبل از ارسال نقشه و ملاحظه آن مبادرت بصدور رای شده و بمستندات و مدافعات فرجام خواهان و وکلای آنان توجهی نشده و بحکم هیئت پنج نفری و کارشناسان آن هیئت التفاتی ننموده در رسیدگی و رعایت تشریفات دادرسی تبعیض شده و پرونده ثبتی مستند دعوی را در روزهای جلسه رسیدگی و کلای معنوی در داد گاه در دسترس آنان قرار داده و روزهای جلسه رسیدگی بمدافعات متهمین پرونده ثبتی را بداد گاه نیاورده اند و ادله و مستندات حکم داد گاه برخلاف محتویات پرونده و مغرضانه و رای داد گاه بی اساس و مخدوش و نقص و رسیدگی مجدد آن تقاضا گردیده و پرونده باین شعبه فرستاده شده است.

هیئت شعبه در تاریخ فوق تشکیل است با قرائت گزارش آقای خلیل ناچی و ملاحظه نظریه مفصل جناب آقای دادستان کل بشرح زیر .
برای اثبات مخدوشیت رای شعبه داد گاه جنائی لازم میدانم قبلاً خلاصه جریان امر را متذکر شوم .

در تاریخ ۲۵ شهریور ۳۷ آقای سید مرتضی زنجانی وکیل داد گستره بوکالت داود معنوی بدادسرای تهران شکایت کرده است که موکل او پرونده حقوقی در داد گاه استان مرکز داشته که نسبت بان قرار ارجاع بکارشناس صادر شده و سه نفر کارشناسانی که انتخاب شده اند گزارش خلاف واقع داده اند که مؤثر در حکم داد گاه شده و بر طبق ماده ۲۸ قانون کارشناسان قابل تعقیب کیفری میباشند باین شرح که نظریه کارشناسان

بعلت عدم تطبیق با پرونده ثبتی و صورت مجلس تعدید حدود غیر واقع بوده و جاده را که ترسیم نموده اند واجد خصوصیات مذکوره در صورت مجلس تعدید حدود ملک حسین آباد معروف به قلعه سلیمان خان نیست. و در نتیجه فواصل میله های ۳ و ۴ و همچنین میله ۴ تا ۵ صحیح نیست و قنوانی که در محدوده ملک حسین آباد بوده خارج از آن قرار گرفته و باین ترتیب شاکی تا قبل از کیلومتر ۱۲ جاده کرج نمیتواند مالک ملکی باشد در صورتیکه در کیلومتر ۱۱ قطعات عدیده تفکیکی از اداره ثبت بر طبق سند مالکیت گرفته است. ضمناً متذکر شده است که کارشناسان مزبور از اوسبلفی خواسته اند تا بنفع او اظهار نظر کنند و از این مذاکرات تلفونی بوسیله دستگاه ضبط صوت نواری تهیه کرده است.

مقدمه

باتوجه باین جریان دو اصل از اصول مسلمه جزائی را که باید از طرف مقامات تعقیبی ملحوظ گردد یادآور میشود.

اول آنکه دستگاه تعقیبی مخصوصاً بازپرس وقتی میتواند اقدام بتحقیقات نماید که شکایت شاکی جنبه جزائی داشته باشد.

دوم آنکه جریان تحقیقات در حدود صلاحیت بازپرس باشد.

عدم رعایت اصل اول موجب میشود که حیثیت اشخاص بدون جهت مجروح گردد زیرا صرف احضار شخصی از طرف مقامات تعقیبی و اخذ تأمین موجب میشود که شخص احضار شونده تا مدتی در مظان تهمت افکار عمومی قرار گیرد. اگر از این رویه تبعیت شود که هر شکایتی را که مدعی بان جنبه جزائی میدهد بدون نظارت قبلی دائر براینکه واقعاً واجد جنبه جزائی هست یا نه از طرف بازپرس بجزریان افتد و منحصرأ در خلال رسیدگی در صورتیکه فاقد جنبه قضائی باشد قرار منع تعقیب صادر گردد اشخاصی که مراتب اخلاقی آنان سست و لرزان است برای ایجاد مزاحمت رقباء خود و یا سوءاستفادات شگرف دائماً در مقام شکایت از اشخاص بر می آیند تا منویات مغرضانه خود را تأمین نمایند بهمین جهت بازپرس باید قبل از آغاز تحقیقات دقت نماید که آیا شکایت شاکی جنبه جزائی دارد یا نه و در صورت داشتن جنبه جزائی آیا قرینه و اماراتی بر وقوع جرم از طرف مشتکی عنه اقامه شده یا نه؟ پس از اینکه احراز کرد قضیه دارای جنبه جزائی است و قرینه هم بر ارتکاب آن از طرف مشتکی عنه وجود داشت مشتکی عنه را احضار و در مقام تحقیق برآید. تعقیب بی جهت اشخاص علاوه برآنکه سبب جریحه دار کردن حیثیت آنان میشود وقت دستگاه تعقیبی را برای مدتی بیهوده اشغال مینماید و رسیدگی با اتهامات واقعی اشخاص را بتاخیر می اندازد. این بطوء جریان در رسیدگی موجب میشود که مجازات اشخاص مستحق بموقع مناسب اجرا نشود و در اثر اندراس آن خاصیت اخافه از آن سلب گردد.

عدم رعایت اصل دوم موجب میشود که تحقیقات بازپرس منتهی بکشف حقیقت نگردد زیرا اگر مقنن برای یکی از دستگاههای قضائی در رسیدگی بامری قائل بعدم صلاحیت شود برای این است که یقین دارد اقدامات آن دستگاه منتج بر فاش ساختن جریان حقیقی امر و بالنتیجه احقاق حق نخواهد شد.

باتوجه باین دو اصل باید دید که اولاً آیا شکایت معنوی جنبه جزائی دارد یا نه.

دوم آنکه آیا اقداماتی را که بازپرس انجام داده در خور صلاحیت او بوده است یا نه؟ در قسمت اول شاکی مدعی است که فرجامخواهان بر خلاف واقع اظهار عقیده کرده‌اند و دلیل سوء نیت آنان را نوار ضبط صوت دو کارشناس وانمود کرده است باین معنی که متهمین بعد از اظهار نظر و تسلیم آن بدادگاه به معنوی مراجعه و از او مطالبه پول نموده‌اند تا اظهار نظر مجددی که بنفع او باشد تسلیم دادگاه نمایند. باز پرس اگر قدری تفرس بخرج میدارد، این ادعا را تجزیه و تحلیل میکرد قانوناً میبایست به شکایت ترتیب اثر نداده و بدون انجام تحقیقاتی شکایت او را رد نماید زیرا ادعای شاکی شامل دو فرض زیر است که در هر صورت هیچیک قابل ترتیب اثر دادن نمیباشد:

فرض اول این است که متهمین ابتداء از معنوی پول خواسته‌اند و چون نداده بر علیه او اظهار عقیده کرده‌اند.

علاوه بر اینکه چنین ادعائی دلیل می‌خواهد در صورتیکه دلیلی اقامه نشده اساساً این فرض مصداق پیدا نمی‌نماید زیرا اگر متهمین برای اظهار نظر قبلی از شاکی پول خواسته بودند دیگر معقول نیست بعد از اینکه اظهار نظر کرده‌اند از او مطالبه پول کنند تا اظهار نظر قبلی خود را تغییر دهند. شخصی که قبل از اظهار نظر بدرخواست آنها تمکین نکند بطریق اولی بعد از اظهار نظر متهمین بدرخواست آنها بی‌اعتناء است زیرا یقین دارد که بعد از اظهار نظر و تسلیم آن بدادگاه دیگر کارشناسان نمیتوانند نظر اولی خود را تغییر دهند. بنابراین کمترین احتمالی نمیرود که بتوان از معنوی که قبل از اظهار نظر پول نداده بعد از اظهار نظر و تسلیم آن بدادگاه وجهی دریافت داشت.

فرض دوم این است که نظریه اولی آنها طبیعی بوده و بعد برای استفاده باین خیال افتاده‌اند که با اخذ وجه از معنوی نظریه خود را تغییر دهند. این فرض هم طبیعی بودن نظریه اول آنها را که فاقد سوء نیت بوده ثابت میکنند و چون صحنه که خود شاکی برای تطمیع کارشناسان فراهم ساخته از دایره حرف تجاوز نکرده عملی که قابل تعقیب جزائی باشد و جهاً من‌الوجوه رخ نداده است متأسفانه با آنکه باز پرس باستناد نوار ضبط نباید تحقیقات را آغاز نماید شروع به تحقیقات و انتخاب کارشناس و معاینه محل و بازداشت متهم کرده و پس از آنکه دادیار از او می‌خواهد نسبت بنوار که مورد تکذیب متهمان است تحقیقات از راه اصول فنی بنماید و با صدای متهمین تطبیق شود باز پرس اظهار میدارد «در مورد ضبط صوت که فرسوده اید با صدای متهمین تطبیق شود صرف نظر از اینکه این امر غیر ممکن است زیرا هنوز وسیله در اینمورد وجود ندارد اصولاً نوار ضبط صوت بعنوان دلیل در مورد گزارش خلاف واقع نباید تلقی شود».

راجع به کارشناسان شکایت شاکی این است که چون گزارش بر خلاف واقع آنان مؤثر در حکم دادگاههای حقوقی افتاده طبق ماده ۲۸ قانون کارشناسان قابل تعقیب جزائی هستند.

بطوریکه از پرونده عمل مشهود میگردد اختلاف طرفین راجع بمحل جاده فیروز بیرام بکن است که حد فاصل بین ملک خرگوش دره و حسین آباد معروف بقلعه سلیمانخان میباشد دادگاه در موقعی که دعوی بظرفیت خلیل معنوی مطرح بوده پس از اظهار نظر آقای

علی مکتون کارشناس رسمی و معاینه محل حکم مورد اعتراض طاری را صادر نموده و بعد از اعتراض بحکم مزبور بدر خواست فرجامخواه مجدداً دادگاه سه نفر کارشناس انتخاب و پس از ملاحظه نظریه آنان محل را با حضور کارشناسان معاینه و بعد از رسیدگی هائی که بعمل آورده نظر کارشناسان را تأیید کرده است در معاینه محل دادگاه تمام اعتراضات نونهال و کیل معنوی را استماع کرده و در حکم صادر شده با اسعان نظریه یکایک آنها بشرح زیر رأی خود را صادر کرده است. «اعتراضات آقای نونهال بنظریه کارشناسان باستناد اسناد انتقالی و نقشه‌ای که ضمیمه لایحه خود بعنوان تفکیکی از اراضی حسین آباد کرده و نظریه مهندس حیدریان و حقوق ارتفاقیه که در سند مالکین حسین آباد قید شده همچنانکه کارشناسان اظهار نظر کرده‌اند وارد نیست چه آنکه اولاً: اگر ادعای مشارالیه مبنی بر عبور مسیر جاده فیروز بهرام بکن از کنار پاکنه قنات واقعیت میداشت مأمورین ثبت در هنگام تحدید حدود این پاکنه را که حسب معاینه دادگاه قدیمی است و با اجر ساخته شده و بعنق سه تا پنج متر بیان کرده اند در حدود حسین آباد قید میگردند و یا آنکه آنرا جزء حقوق ارتفاقیه دیگران در ملک حسین آباد قید مینمودند و حال آنکه بهیچوجه اسمی از پاکنه قنات جزء حقوق ارتفاقیه املاک دیگران در حسین آباد قید نشده و حد شرفی حسین آباد هم بپاکنه قنات محدود نشده است پس مسلم است پاکنه مذکور نه در مجاورت حد شرقی حسین آباد بوده و نه در جزء ملک مزبور واقع شده است. ثانیاً در صورت مجلس تحدید محل سیله چهار حسین آباد که ابتدای حد شمالی حسین آباد است بنا بشوصیف صورت مجلس مذکور حد شمالی از (ناخوانا) بطرف غرب تا سیله در کنار جاده فیروز بهرام بکن ممتد گردیده در محل تقاطع نهر حاج میرزا آقاسی و جاده مذکور نصب گردیده بود محلی را که آقای نونهال در روز ۲۶/۱۱/۳۴ محل سیله چهار نشان داده در محل تقاطع دو نهر کنار تپه کوچکی بوده که از طرف دادگاه معاینه شده است و این وضع میرساند که بهیچوجه محل مورد ادعای آقای نونهال با محل واقعی سیله و تطبیق نمیکند چه آنکه در صورت مجلس تحدید حدود چنین عنوانی از تقاطع دو نهر و تپه کوچک در کنار او نمیباشد و اگر چنین چیزی بود در صورت مجلس تحدید حدود حسین آباد نوشته میشد که محل نصب سیله و در محل تقاطع دو نهر که در مجاورت تپه کوچکی است واقع شده و چون اسمی از تپه کوچک و دو نهر متقاطع برده نشده نمیتواند محل مذکور سیله چهار باشد بزعم آقای نونهال در شصت متری رودخانه کخ واقع شده و محل سیله چهار همان محلی است که کارشناسان رسمی در محل تقاطع نهر حاج میرزا آقاسی با جاده قدیم فیروز بهرام بکن بر روی نقشه خود نمایانده اند. ثالثاً آقای نونهال بعنوان اینکه اگر محلی را که آقای دکتر جوان برای محل سیله چهار معرفی کرده‌اند در نظر بگیریم ساختمان طرق که واقع است در شمال جاده قزوین (جاده قدیمی تهران قزوین) و کنار پل آجری کن که حقوق ارتفاقیه حسین آباد قید شده در مشرق حد اراضی حسین آباد مدعی هستند که نظریه کارشناسان و محل مذکور برای سیله چهار حسین آباد صحیح نیست این اعتراض نیز وارد نیست چه آنکه طبق سند مالکیت خرگوش دره ساختمان طرق کنار جاده قزوین جزء ارتفاقیه دیگران در خرگوش دره بیان شده و چون بصورت مجلس تحدید حدود ملک مزبور در موقع اعتراض نشده ایراد مزبور نیز وارد نمیباشد. رابعاً نظریه

آقای مهندس حیدریان نسبت بنظریه کارشناسان که در این جلسه اظهار نظر کرده اند گذشته از اینکه رونوشت نظریه مذکور به پرونده تسلیم شده و اصول آن ابراز نگردیده باتوضیحات کارشناسان درباره طول فاصله بین میله ۴ و ۵ حسین آباد که برابر متر ۱۷۰۰ صورتجلسه تعیین حدود است وارد نیست خاصه اینکه نه نامبرده از طرف دادگاه تعیین گردیده و نه مورد موافقت طرف است.

خامساً ایراد باینکه حقوق ارتفاقیه نوشته شده در سند مالکیت حسین آباد خارج از محدوده مورد نظر کارشناسان میشود نیز بیوجه است چه آنکه در سند مالکیت و تعیین حدود حسین آباد بطور منجز نوشته شده که این حقوق ارتفاقی در چه محلی از اراضی واقع است و بطور کلی توصیف گردیده و محل مخصوص برای چاههای قنوات قید نشده است. بنا بجهات بالا و توجه باینکه حد شمالی حسین آباد طبق صورتجلسه تعیین حدود از شرق بغرب از میله ۴ تا میله ۵ در کنار جاده فیروز بهرام بکن محتمل میباشد که ابتدای آن میله ۴ در محل تقاطع نهر حاج میرزا آقاسی و جاده مذکور میله ۵ در محل تقاطع جاده مذکور با نهر مستوفی معروف باقا واقع و توصیف شده و کارشناسان رسمی محل این دو میله را طبق نظریه کتبی و نقشه ترسیمی تعیین کرده اند و معبر جاده فیروز بهرام بکن را در محل زمین آقای عبدالله نویدی که انتقال از آقای خلیل معنوی گرفته سیصد متری غرب یک کیلومتر ۱۲ جاده فعلی مخصوص تهران کرج تشخیص داده اند و حد شرقی زمین آقای عبدالله نویدی بجاده فیروز بهرام بکن میباشد و اراضی مورد لحوق حکم دادگاه استان در محلی که قرب یک کیلومتر ده جاده مخصوص تهران و کرج واقع شده و برطبق نظریه این کارشناسان و کارشناس منتخبه در دادگاه شهرستان تهران شعبه ۵ اراضی مذکور جزء محدوده خرگوش دره میباشد و با توجه باستدلالی که در رأی معترض عنه شده اعتراض آقای داود معنوی بحکم شماره ۳۶۵-۳۲/۹/۵۰-۳۶۵ این دادگاه که بعنوان اعتراض طاری طرح شده وارد نبوده و رد آن اعلام میگردد. این رأی حضوری و قابل فرجامخواهی است. محل مهر و امضاء هیئت حاکمه شعبه ۱ استان مرکز».

این رأی از طرف شعبه ششم دیوانعالی کشور بریاست آقای ویشکائی ابرام گردیده است.

با اعلان نظر بر رأی دادگاه شعبه دهم مسلم میگردد که گزارش کارشناسان بر خلاف واقع نبوده و آقای بازپرس بدون مجوز قانونی باین شکایت بی دلیل ترتیب اثر داده و با اخذ تأمین شدید مدتی مهندس خاتمی را در بازداشت نگاهداشته و آغاز عملیاتی را نموده که خارج از صلاحیت او بوده است. باتوضیحاتی که قبلاً داده شد معلوم گردید که اختلاف طرفین راجع بمحل جاده فیروز بهرام بکن است که حد فاصل بین ملک خرگوش دره و حسین آباد معروف بقلمه سلیمانخان میباشد و در اینصورت ثبوت تقصیر متهم منوط به تشخیص مالک محل جاده فیروز بهرام بکن است که طبق ماده (۱۷) آئین دادرسی کیفری در صلاحیت محاکم حقوقی است. بازپرسی حق نداشته اقدام بامری نماید که در صلاحیت محاکم مزبوره است بعلاوه همانطوریکه فوقاً اشعار گردید این تشخیص از طرف محاکم حقوقی بااستماع کلیه اعتراضات معنوی و وکیل او در محل معاینه صورت گرفته و دیوان کشور هم حکم دادگاه را تأیید نموده است.

اگر ادعای شاکی راجع بگزارش خلاف واقع مقرون بدلائلی بود که قبلاً رسیدگی نشده و رسیدگی آنهم در صلاحیت مقامات کیفری بود بازپرس حق داشت تحقیقات را ادامه دهد ولی در این قضیه شاکی با تکرار همان اعتراضاتی که در موقع معاینه محل از طرف دادگاه حقوق بعمل آمده و دادگاه هم آنرا رد کرده مجاز نبوده است خارج از صلاحیت خود یک امر مختومه را که ابدأ متضمن جنبه جزائی نیست از اعتبار بیندازد.

این اقدام بازپرس بمنزله مقاومت با ماده (۹) آئین دادرسی مدنی دائر بر (هیچ مقام رسمی و هیچ اداره دولتی نمیتواند حکم دادگاه دادگستری را تغییر دهد و یا از اجرای آن جلوگیری کند مگر خود دادگاهی که حکم داده و یا دادگاه بالاتر از آنهم در مواردی که قانون معین میکند) میباشد.

بعلاوه گزارش خلاف واقع وقتی قابل تعقیب جزائی است که متضمن سوء نیت باشد و صرف خلاف واقع بودن گزارش که ممکن است در اثر اشتباه تنظیم شده باشد قابل تعقیب جزائی نیست متأسفانه بازپرس طبق قرار تعقیبی که صادر کرده گزارش خلاف مؤثر در حکم را اعم از اینکه متضمن سوء نیت باشد یا نه قابل تعقیب دانسته است در اینصورت معلوم نیست چرا موجبات تعقیب اعضاء دو دادگاه حقوقی را که به محل رفته و با استماع کلیه اعتراضات اقامه شده یکایک آنرا در حکم خود رد کرده و تأیید نظر کارشناسان را نموده فراهم نکرده است.

اقدام بازپرس در رسیدگی بیک قضیه مختومه با فقدان دلیل بر جزائی بودن ادعای شاکی با اصل اعتبار قضیه محکوم بها که از اصول مسلمه قضا است معارض میباشد اگر این اصل رعایت نشود معلوم نیست سرنوشت دعاوی مردم که از بطوع جریان دعاوی در رفغان و ندبه هستند چه خواهد شد بازپرس توجه نکرده که اگر رأی شعبه (۶) دیوان عالی کشور با اقداماتی که خارج از صلاحیت او است قابل لغو شدن باشد بانک ساختمانی هم باید بتواند نظیر ادعای معنوی را نسبت بکارشناسان انتخابی او بنماید و حکم تأیید شده را از اعتبار بیندازد و اگر این رویه تسلسل پیدا کند آیا این دعوی تشخیص حد فاصل بین دو ملک چه وقت خاتمه خواهد پذیرفت؟

تمام این معایب ناشی از عدم رعایت دو اصلی است که فوقاً بان اشاره شد یعنی بازپرس نسبت به قضیه که فاقد جنبه جزائی است بر خلاف اصول آئین دادرسی اقدام به تعقیب آن کرده است.

پس از ذکر این مقدمه برای اینکه هیئت حاکمه شعبه ۶ دیوان عالی کشور به غیر طبیعی بودن تشکیل این پرونده و قوف کامل پیدانمایند لازم میدانم خطرات قضائی بازپرس و دادیار و دیوان جنائی را بترتیب متذکر شده سپس تقاضای نقض بلا ارجاع حکم صادر شده را بنمایم.

خطیات قضائی بازپرس

الف - با اینکه بازپرس طبق صفحه (۳۱۱) اوراق استنطاقیه نوار ضبط صوت را از عداد دلایل خارج کرده معذالک در قرار تعقیب استناد بان کرده و آنرا یکی از سویدات دلیل سوء نیت کارشناسان قرار داده است برای مسلم ساختن انتساب اصوات مضبوطه به

متهمین شایسته بود بازپرس از اداره انتشارات و تبلیغات و وسائل فنی آنان استفاده نماید راجع به تشخیص صدای مضبوط در نوار چنانچه برق اولی که با آن صدا ضبط شده با برقی که بوسیله آن میخواستند صدارا بشنوند یکسان نباشد یعنی قوی تر یا ضعیف تر باشد در اینصورت صدارا زیر یابم منعکس میسازد و کاملاً با صدای اشخاص تطبیق نمی نماید و برای تشخیص این معنی اداره تبلیغات متخصصینی دارد که میتواند مراتب را سنجیده و یا میزان کردن برق صدای اصلی را از نوار منعکس سازند بازپرس بجای مراجعه با اداره تبلیغات مضبوطات کلیه نوار را که در حدود پانزده صفحه استنطاقی شده برای یکدفعه بکار انداخته و بدون تطبیق هر جمله نوار با صدای متهم مربوط (با اینکه انتساب آخر بخود تکذیب کرده) آنرا یکی از مؤیدات بزهکاری متهمین دانسته است از غرایب این نوار شرحی است که در صفحه ۲۸ بازپرسی نگاشته شده در این صفحه چنین قید شده: «دخ - ضبط صوت را گذاشته از من میخواهی اقرار بگیری من نمیگویم» آیا میشود قبول کرد شخصی متوجه بکار گذاردن دستگاه ضبط صوت بشود معذالک باظهاراتی که بضرر او تمام میشود ادامه دهد؟

ب - بازپرس در صفحه ۱۳۱ اوراق استنطاقیه در سطر ۱۳ چنین نگاشته: «بنظر بازپرس در این مورد یک حقیقت مسلم برای هر مهندس و کارشناس وقاضی وجود دارد و آنهم پرونده ثبتی و صورت مجلس تحدید حدود است و اگر نظر و نقشه ای با پرونده ثبتی تطبیق نکند خلاف واقع است و استدلالات بچگانه که سه نفر مهندس فوق کرده اند بهیچ وجه مقنع و جدان نیست»

نظر هیئت حاکمه شعبه ۲ دیوان عالی کشور را به تراوشات بالا که درجه معلومات و تيقظ بازپرس را هویدا میسازد جلب می نمایم بازپرس معتقد است که هرچه در پرونده ثبتی وجود دارد عین واقع و آنچه بر خلاف آن اظهار عقیده شود خلاف واقع است این قاضی تحقیق تعمق نکرده که رسیدگی امور جزائی با امور حقوقی فرق دارد در امور جزائی که باید کشف حقیقت مورد نظر باشد صرفاً استناد به قسمتی از نقشه ها و اوراق پرونده ثبتی کافی نیست بلکه باید نقشه های موجود در پرونده ثبتی این اراضی و زمین های مجاور آن که در رسیدگی این پرونده مؤثر است و همچنین نقشه های مربوط بدعاوی این اراضی و زمینهای مجاور که در پرونده های حقوقی وجود دارد مطالعه و تطبیق شود و نسبت باصالت نقشه های ثبتی که مورد ایراد جعل و الحاق است رسیدگی بعمل آید برای عنایت هیئت مستشاران متذکر میشود که طبق ورقه شماره $\frac{4514}{27/3/17}$ ثبت دفتر اندیکاتور دائرة ثبت غرب که

در پرونده معنوی ضبط میباشد و رونوشت مصدق آن پیوست میشود هیئتی از مهندسين و نماینده ثبت برای تعیین محل وقوع جاده فیروز بهرام بنا بدستور مرحوم جوادی مدیرکل اسبق مأمور تحقیق میشوند و پس از معاینات دقیقه گزارش پیوست را که مبین تقلبات ارتكاییه در پرونده معنوی است تنظیم می نمایند و در قسمت آخر آن چنین می نگارند: «در خاتمه بنظر اینجانبان نقشه باطل شده و نقشه که اخیراً از طرف خانم مرحوم مهندس مدنی تسلیم گردیده با حقیقت و وضعیت واقعی دو ملک نامبرده مطابقت ندارد و جاده حد فاصل دو ملک نامبرده همان است که در فقره دوم قسمت الف این گزارش ذکر شده و توضیحاً اضافه میشود که در نقشه شماره ۳ اینجانبان خطی بنام جاده به رنگ سیاه نقطه چین نمایانده

شده و در فاصله هشتصد و پنجاه متر در جنوب میله ۵ با جاده واقعی فیروز بهرام بکن تقاطع می نماید جاده ایست جدید الاحداث که در معاینه اولیه که بوسیله ریاست محترم دائره غرب و آقای مهندس تیمور و آقای اشتری بعمل آمده بود وجود نداشت و در معاینات بعدی که باتفاق جناب آقای شاهنده و آقای کاردان و آقای عسکری و آقای مهندس پور تیمور و آقای اشتری بعمل آمده مشاهده شد جدیداً احداث شده است « آقای مهندس متین هم طبق معاینه محلی که در تاریخ ۶/۱۲/۳۶ بمعیت دادگاه بخش شعبه (۱) تهران بعمل آمده اظهار نظر کرده که جاده دوم جدید الاحداث است و نوشت صورت معاینه محل پیوست میشود .

مرحوم جوادی نیز نسبت باین پرونده دستوری صادر کرده که قابل توجه بوده و عین آن ذیلا نقل میشود .

« ثبت اسناد و املاک تهران در پاسخ گزارش $\frac{۸۸۵۶}{۲۶/۵/۲۸}$ با قسمت دوم پیشنهاد

آن اداره موافقت میشود که روی نقشه موجود در پرونده باخط درشت قید نمایند که چون فاقد امضای مهندس است دارای اعتبار نیست و ضمناً مراقبت نمائید که این قبیل امور موجب سوء استفاده اشخاص و اغفال دیگران نشود با رسیدگی کامل تعیین نمائید بچه وسیله نقشه عوض شده و چه اشخاصی مداخله داشته اند و متخلفین را معرفی کنید که مورد تعقیب قرار گیرند» عین این دستور در پرونده ۱۱۰ $\frac{۸۸۵۶}{۲۶/۵/۲۸}$ امور املاک بایگانی شده و رونوشت مصدق آن بانضمام رونوشت گزارش $\frac{۸۸۵۶}{۲۶/۵/۲۸}$ پیوست میشود .

راجع به صورت تحدید حدود که مورد استناد بازپرس قرار گرفته قسمتهائی از آن بریده شده است رونوشت مصدق آنرا که تصدیق شده در سه قسمت پارگی دارد پیوست می نماید .

علاوه بر پرونده ثبتی که منعکس سازنده تقلبات ارتکابیه برفع معنوی میباشد وزارت دادگستری در تاریخ ۱۶/۴/۴۱ بشماره ۳/۴۲۹۳ رونوشت گزارش آقایان مهندس امیر معزی و مهندس شمس ملک آرا استاد دانشگاه که هر دو در فرانسه تحصیلات عالیه خود را پایان رسانیده اند و آقای مهندس بصیر که هر سه از زنده ترین و باتقوی ترین کارشناسان رسمی هستند برای استحضار اینجانب ارسال داشته است که عین آنرا پیوست می نمایم . آیا با توجه بتشریحات بالا گزارش کارشناسان انتخابی بازپرس که بگفته آنها مطابقت با پرونده ثبتی و صورت تحدید حدود دارد مطابق واقع است؟ با تقلبات ارتکابیه در پرونده ثبتی اگر اظهار نظر کارشناسان متهم که نسبت به محل جاده مورد معاینه دوهیئت حاکمه حقوقی قرار گرفته و شعبه ۶ دیوانعالی کشور هم آنرا تأیید کرده مخالف نظر کارشناسان انتخابی بازپرس باشد آیا مشمول ماده ۲۸ قانون کارشناسان می باشد؟

ج - بازپرس قرار تعقیب مهندسین را بدهوزیر پایان داده است :

« بنا بمراتب فوق و بعلل یاد شده در صفحات سطور قبلی نظریکه کارشناسان متهم در دادگاه استان شعبه دهم داده اند برخلاف مشهودات و محسوسات و پرونده ثبتی و صورت مجلس پرونده ثبتی میباشد و هرچند در اینمورد نداشتن سوء نیت نیر کافی برای احراز بزهکاری

میباشد اما نوار ضبط صوت مؤید بزهکاری و سوء نیت محسوب میشود و بازپرس باستناد نظر کارشناسان منتخب این شعبه و باستناد نظرات مهندس و نماینده ثبت و باستناد پرونده هیئت ه نفری و باستناد پرونده ثبتی و صورت مجلس تحدید حدود و با توجه بدفاعات ناموجه که از آن به تفصیل یاد شده قرار بزهکاری آقایان مهندس عباس خاتمی و مهندس علی اصغر بناثی را باستناد قسمت اخیر ماده ۲۸ قانون کارشناسان صادر و اعلام می نماید»

چون رأی دیوان جنائی مبتنی بر قرار تعقیب بازپرس است برای اینکه درجه فطانت و ارزش تحقیقات و مخصوصاً معاینه محل که از طرف بازپرس مذکور صورت گرفته از نظر هیئت حاکمه جلوه گر شود لازم میدانم سه قسمت از اظهار نظر او را ذیلاً تحلیل نمایم.

۱ - بطوریکه ملاحظه میشود بازپرس موضوع اتهام را اظهار نظر برخلاف مشهودات و محسوسات دانسته ولی مجازات آنرا منطبق با قسمت اخیر ماده ۲۸ کرده است در صورتیکه اظهار نظر بر خلاف مشهودات طبق صدر ماده ۲۸ مجازات آن حبس با اعمال شاقه است مستنطق بین اظهار نظر بر خلاف مشهودات و گزارش خلاف واقع فرقی قائل نشده است.

۲ - بازپرس در مورد کارشناسان متهم که مرتکب اظهار عقیده بر خلاف مشهودات میشوند سوء نیت را از ارکان تشکیل دهنده جرم نمیداند باین معنی که اگر کارشناسی در اظهار نظر خود مرتکب اشتباه شود و فاقد سوء نیت هم باشد او را مستحق تعقیب جنائی میدانند از طرفی موقعیکه دادیار در مورد قرار نوار ضبط صوت که مورد انکار متهمان است تقاضای رسیدگی بیشتری مینماید بازپرس در صفحه (۳۱۱) چنین اظهار داشته است (در مورد ضبط صوت که فرموده اید باصدای متهمین تطبیق شود صرف نظر از اینکه این امر غیر ممکن است زیرا هنوز وسیله در این مورد وجود ندارد اصولاً نوار ضبط صوت بعنوان دلیل در مورد گزارش خلاف واقع نباید تلقی شود) با وجود این اظهار بازپرس نوار ضبط صوت را یکی از مؤیدات بزهکاری و سوء نیت متهمان محسوب داشته است.

۳ - بازپرس یکی از دلایل مجرمیت متهمان را پرونده هیئت ه نفری دانسته است در صورتیکه پرونده هیئت ه نفری بطور غیر مستقیم بضرر معنوی تمام شده و بهمین جهت علت غائی توسل او به تعقیب کارشناسان تهیه مدارک برای اعاده دادرسی و سلب اثر از حکم هیئت مزبوره میباشد.

خطیبات قضائی دادیار

الف - پس از صدور قرار مجرمیت متهمان دکتر برزگر دادیار طبق صفحه (۲۹۰) اوراق استنطاقیه در ضمن ایراد بصلاحت دو کارشناس (حبیب الله گرانپایه و مهندس مروارید) چنین اظهار داشتند :

«در قرار ارجاع امر بکارشناس که از طرف آن بازپرسی صادر گردیده است مواردیکه بشرح زیر یاد آور میشود قابل توجه است و به تفصیل آتی تقاضای تکمیل آنرا دارم - این قرار همانطوریکه در صفحه چهارده پرونده منعکس است و در قرار نهائی آن بازپرسی هم بان اشاره شده است برای اطلاع صحیح و سقیم بودن نظر سه کارشناس متهم صادر شده است علیهذا بایستی در تعیین و انتخاب کارشناسان مجری قرار دقت خاصی انجام میگرفته است الخ» چون بازپرس حاضر به تغییر آنها نبوده و ظاهراً دکتر برزگر هم پافشاری میکرده

است دادستان دکتر برزگر را تغییر داده و دادیار دیگری را برای پرونده انتخاب کرده است .

دادیار دوم هموارد نقص در تحقیقات پی برده و در این زمینه تکمیل تحقیقات را بشرح زیر خواستار شده است :

۱- چون رسیدگی باظهارات متهمین مسلماً در کشف حقیقت مؤثر بوده و از طرفی باب اعتراضات آنها نیز مسدود خواهد کرد معتقدم هر سه نفر کارشناسان منتخب یا یکی را بنحوی که خود مصاحبت میدانید بامتهمین در یکوقت احضار و اعترافات متهمین را بکار شناسان منتخب اعلام فرموده و پاسخهائی را که هر یک از طرفین ایراد خواهند نمود در صورت مجلس قید فرمائید و حضور طرفین را هم به بنده ابلاغ فرمائید .

۲- در مقام دفاع از فاصله بین میله ۴ تا پنج که حسب نقشه ترسیمی متهمین در حدود (۲۵۰) متر از آنچه در تعهد حدود قید شده کسر آمده است متهمین ایراد کرده اند که مساحتی از این قسمت از جاده فیروز بهرام در محل انجام شود و تعیین فاصله را از روی نقشه و با اشل مربوط بعلت اعوجاجات غیر قابل تصویر در نقشه صحیح نداشته این قسمت از تقاضای متهمین را انجام فرمائید تا مقدار واقعی کسر و نقصان در صورت وجود آن روشن گردد .

۳- نقشه اداره جغرافیائی آرتش که مساماً تحت نظر متخصصین فن ترسیم شده نیز یکی از مستندات متهمین بوده است خواهشمند است این نقشه را از اداره جغرافیائی آرتش بخواهید و اگر در ارسال آن مسامحه بعمل آید ممکن است برای جلوگیری از بطوه رسیدگی وقتی را تعیین فرمائید که بالاتفاق در اداره جغرافیائی آرتش نقشه مذکور را مورد مطالعه قرار دهیم .

۴- چون اکثر مدارک مورد استناد آقای بازپرس را اینجانب ندیده ام و تنها چهار نقشه با پرونده امر ارسال گردیده است که یکی از آنها مربوط بکارشناسان منتخب بازپرسی و دومی از آن متهمین و سومی نقشه یک قطعه از زمین از اراضی قلعه سلیمانخانی که وسیله آقای نونهای ارائه شده و چهارمی نقشه ایست بامضای مهندس تاج بخش و سایر نقشه ها من جمله نقشه ترسیمی وسیله آقای مهندس متین و پرونده آن در شعبه ۵ دادگاه شهرستان مطرح بوده و نقشه شماره (۳) ترسیم شده بوسیله آقای مهندس ثواب و دو نفر دیگر و نقشه سازمان نقشه برداری کل کشور و بعضی نقشه های دیگر که در این پرونده ها و پرونده ثبتی موجود است بنظر اینجانب نرسیده و از طرفی مطالعه پرونده حقوقی این امر در شعبه (۱۰) دادگاه استان بخصوص در قسمت اجرای قرار و معاینه محل نهایت ضرورت را دارد و خواستن پرونده ها و نقشه های مذکور از طرف آقای بازپرس باعث طول رسیدگی و ایجاد زحمت خواهد بود اینجانب شخصاً پرونده های مذکور و نقشه ها را ضمن اینکه آقای بازپرس پرونده را از جهات معروضه فوق و غیر آن تکمیل میفرمائید مطالعه کرده و یادداشتهای لازم را تحصیل خواهم نمود که لطمه به وقت جنابعالی و سرعت تشکیل پرونده وارد نیاید .

۵- یکی دیگر از موارد استناد متهمین این پرونده ضمن دفاع خود پرونده اداری املاک ثبت کل است که به تخلفات مأمورین طی آن رسیدگی شده و مطالعه آن برای روشن

شدن قضیه ضرورت دارد خواهشمند است این پرونده را هم مطالعه فرموده و پس از وصول آن مراتب را به بنده اطلاع دهید که بآن مراجعه بعمل آید ضمناً هم به متهمین ابلاغ فرمائید که در دایره بازپرسی حاضر شده و موارد استفاده خود از آن اعلام دارند.

۴ - و بالاخره در قسمت ضبط صدای متهمین که دلیل سوء نیت ایشان اعلام گردیده چون این امر از هر حیث مورد انکار متهمین قرار گرفته در صورتیکه وسیله برای تشخیص صدا موجود باشد با استعلام از اداره کشف جرائم وسیله مذکور را در تعیین و تشخیص و تطبیق و صدا با صوت متهمین مورد رسیدگی قرار داده و نتیجه را در پرونده منعکس نموده و پس از تکمیل پرونده آنرا اعاده فرمائید تا اظهار نظر ماهوی بعمل آید.

با آنکه مطابق ماده ۱۶۴ اصول دادرسی کیفری در صورتیکه بنظر مدعی العموم تحقیقات و استنتاجات کامل نباشد میتواند تکمیل آنرا از مستنطق بخواهد بازپرس با ذکر معاذیر نابخشودنی از رفع منقصت خودداری کرده است و دادیار دوم هم با اینکه مطابق شرحی که فوقاً اشعار شد برای کشف حقیقت رفع نقائص بالا را فوق العاده ضروری میدید از آن صرف نظر کرده و در تاریخ ۳۸/۲/۲۷ چنین نگاشته: «پس از مطالعه اوراق و محتویات و مستندات باقرار صادر نتیجه موافق و بشرح جداگانه کیفرخواست تنظیم میگردد.»

دادیار دوم در همان تاریخ یعنی ۳۸/۲/۲۷ بشرح ذیل کیفرخواست صادر مینماید: «دادگاه عالی جنائی - مهندس عباس خاتمی فرزند زین العابدین پنجاه ساله اهل تهران ساکن خیابان شیخ هادی کوچه غفاری شغل کارشناس رسمی دادگستری و مهندس علی اصغر بنائی فرزند حاج غلامحسین ۳۸ ساله اهل تهران بهارستان شغل کارشناس رسمی دادگستری آزاد با معرفی کفیل متهم باظهار عقیده برخلاف مشهودات خود نظر بدلائل مشروحه و مفصل مندرج در قرار بازپرس و محتویات پرونده مرتکب بزه فوق در تاریخ ۳۵/۲/۱۴ در تهران گردیده و برطبق ماده ۲۸ قانون کارشناسان مصوب بهمن ۱۳۱۷ با رعایت ماده گناهکار بوده و تقاضای مجازاتشان میشود.»

هیئت مستشاران ملاحظه میکنند مسائلی که دادیار مطرح کرده تاچه حد در کشف حقیقت مؤثر بوده و میتواند تاروپود ظاهر نمای این پرونده را درهم نور دیده و چهره حقیقی آنرا آشکار سازد متأسفانه دادیار مزبور بدون هیچ منطق محکمه پذیری از پا فشاری در رفع منقصت خودداری نموده است بطوریکه تذکر داده شد دادیار دوم در قسمت (ع) ایرادات خود معتقد بوده مطالعه پرونده حقوقی قضیه در شعبه (۱۰) دادگاه استان بخصوص در قسمت اجرای قرار و معاینه محل نهایت ضرورت را داشته و مقرر بوده ملاحظه کرده و شخصاً یادداشت‌های لازم را تهیه کند با وجود این ضرورت ادعا نامه خود را که باید مستدل تنظیم نماید مبتذلانه تحریر نموده است آیا چه عامل موجب شده که نماینده اولی دادستان که خدشه در صلاحیت کارشناسان میکند تغییر کند؟ چرا دادیار دوم که بعداً انتخاب میشود بافطانت خاصی مسائل مهمه را که در ثبوت تقصیر و یا بیگناهی متهمین فوق العاده مؤثر بوده مطرح میکند ولی بدون رفع شدن نقائص دفعته مهر خاموشی بر لب میگذارد؟ هیئت مستشاران باید تفرس فرمایند که از ابتدای امر یعنی قبل از تحقیقات معهود بوده پرونده

طوری تنظیم شود که متهمان مناصبی جز تحمل محکومیت نداشته باشند طبق اصول کلی آئین کیفری دادستان که حافظ منافع عمومی بشمار میآید و باید مانند یک وکیل مدافع در مقام دفاع برآید بجای تشریح دلائل خود در چنین پرونده بسیار مهم بطور فور مولی اظهار نظر مینماید دادیار توجه نداشته که کیفرخواست او معارض بادو پرونده دودادگاه حقوقی است که پس از معاینه دقیق محل و استدلات مفصل هیئت حاکمه اعتراضات وکیل معنوی را که مشابه بانظریه کارشناسان انتخابی بازپرس است رد کرده ونظریه کارشناسان متهم را تأیید کرده است و دیوان کشور هم که شامخ ترین مقام قضائی است رأی دو دادگاه را ابرام نموده است دادیار بدون توجه باهویت قضیه و مطالعه پرونده حقوقی که معتقد بمطالعه آن بوده از مطالعه آن سر باززده و بذکر جمله فورمولی «نظر بدلائل مشروح و مفصل مندرج در قرار بازپرس و محتویات پرونده» اکتفاء کرده است.

مسامحه دادیار در تنظیم یک کیفرخواست مستدل بعدی است که حتی بخود زحمت نداده لااقل قرار بازپرس را مطالعه کند و از او توضیح بخواهد چگونه مجازات اظهار عقیده برخلاف مشهودات را که صدر ماده ۲۸ قانون کارشناسان حبس با اعمال شاقه دانسته با قسمت آخر ماده که متضمن حبس مجرد است منطبق ساخته است اگر معتقد باصابت نظر بازپرس در تعیین مجازات میباشد باید استدلال کند که طبق چه منطقی مجاز است حبس مجرد برای امری که قانون برای آن حبس با اعمال شاقه معین کرده خواستار شده و اگر هم نظر بازپرس را مصیب نمیداند باید توضیح دهد مجازاتی را که طبق ماده ۲۸ خواستار آن است حبس با اعمال شاقه است نه حبس مجرد که مورد اظهار نظر بازپرسی بوده است.

در دادگاه هم نماینده دادستان بجای تشریح اتهام اکتفاء باظهارات ذیل نموده است :

آقایان متهمان حاضر مرتکب اظهار عقیده برخلاف واقع و مشهودات خود شده و دلائل مشروحاً در قرار بازپرسی منعکس میباشد باستناد ماده ۲۸ قانون کارشناسان تقاضای صدور حکم مجازات را دارم.

اینک لازم میدانم تأثیر بعضی از موارد مطروحه دادیار را در کشف حقیقت که بازپرس از آن اعراض کرده و دادیار هم بآن تمکین کرده متذکر شوم.

۱ - راجع بکارشناسان اگر بازپرسی در مقام تحقیق از وضعیت علمی حبیبالله گرانبایه بر نیاید شاید برای اظهار نظر او هیچ ارزشی قائل نمیشد زیرا اداره ننی پروانه او را بواسطه نداشتن تصدیق در رشته مهندسی ضبط کرده است خلاصه پرونده کارشناسی او پیوست میشود و بهمین جهت اسم او در صورت کارشناسان رسمی تهران در سال ۱۳۴۰ قید نشده است.

راجع به آقای مهندس محمد علی مروارید که فارغ التحصیل دانشکده فنی بوده و صالح برای تعیین حد و افراز میباشد متأسفانه یکی از دارندگان سهام شرکت تعاونی ساختمانی کارمندان نفت میباشد این شرکت از داود معنوی بنحو زیر زمین خریداری نموده :

۱ - دوپست و پنجاه هزار متر بطور رایگان بشرطی که در ظرف یکسال آب مورد لزوم آن تأمین و ظرف ۱ سال ۵٪ آن ساختمان گردد.

۲ - دویست و پنجاه هزار متر از قرار متری ۱۲ ریال

۳ - دویست و پنجاه هزار متر از قرار متری ۳۰ ریال

۴ - دویست و پنجاه هزار متر از قرار متری ۴۰ ریال

آقای مهندس مروارید یکی از سهام داران و خریدار یک یا چند قطعه زمین از داود معنوی میباشد جناب آقای دکتر فضل الله مشاور از جریان امر اطلاع دارند ممکن است هیئت مستشاران موضوع را از شرکت تعاونی ساختمانی کارمندان نفت که اساسنامه آن پیوست میشود استفسار فرمایند امری که در مورد انتخاب کارشناسان جلب نظر انسان را میکند کوجب اقبال داود معنوی است زیرا بازپرس در صفحه ۴۱ اوراق استنطاقیه چنین نگاشته « بازپرس پس از استقراع سه نفر از آقایان مهندس متین و مهندس علی مروارید و مهندس حبیب الله گرانبایه بحکم قرعه انتخاب شدند » برای انتخاب کارشناس طبق رویه معمول بازپرسی سنت بر این جاری است که بازپرسی بدون استقراع کارشناس ذیصلاحیت را طبق نظر خود از بین کارمندان رسمی ذیصلاحیت انتخاب می نماید و در این مورد بازپرس خود را مقید ساخته که ماده ۴۴ و آئین دادرسی مدنی را رعایت نماید متأسفانه معلوم نداشته سایر کارشناسان که از بین آنان سه نفر فوق الذکر بقید قرعه انتخاب شده اند چه اشخاصی بوده اند بازپرس با اینکه جدید کرده طبق صریح ماده ۴۴ اقدام بانتخاب کارشناس کند اختر بلند معنوی همای اقبال را بر سر او گسترده و آقای مهندس مروارید را که سابقه معامله زمین با او داشته از قرعه در آورده است.

دادیار متفطن بواسطه اهمیتی که به نقش کارشناسان در روشن ساختن این دعوی میداده ایراد بصلاحیت آنان کرده و اظهار داشته : باید معلومات این کارشناسان لااقل برابر کارشناسان انتخابی در دادگاه های حقوقی باشد « باوجود اهمیت نقش کارشناس در مکشوف ساختن حقیقت بازپرس توجهی به نظریه دادیار نکرده است.

با این جریان آیا سزاوار بوده است که بازپرس برای اظهار نظر کارشناسان انتخابی خود نسبت بکارشناسان بانک رهنی (آقایان مهندس اژدری و مهندس صنوبر، و آقای مهندس مکتون کارشناس انتخابی دادگاه شهرستان) که کارشناسان متهم نظر او را تأیید کرده اند و کارشناسان اداره کل ثبت (مهندس نواب و مهندس پور تیمور و مهندس نورانی) که اظهار نظر آنان با اظهار نظر کارشناسان انتخابی بازپرس مخالف است اولویت قائل شود.

راجع باقای حیدری نماینده ثبت متذکر میشود که چندی قبل از طرف وزارت دادگستری منتظر خدمت شد و بعداً بکار کوچکتی گمارده شد راجع بمراتب اخلاقی او و آقای محمد سجادی ممکن است از جناب آقای امین معاون اداری و سرپرست اداره کل ثبت استطلاع فرمایند.

۲ - یکی از منقصدات تحقیقاتی که دادیار خواستار رفع آن شده و بازپرس توجهی نکرده مطالعه پرونده حقوقی شعبه (۱۰) دادگاه استان است اگر بازپرس و دادیار جریان این پرونده و رأی دادگاه را مطالعه میکردند یقین پیدا می نمودند که اقدامات آنها در تعقیب متهمین بدون مجوز قانونی است زیرا دادگاه (ده) استان مرکز همانطوریکه ذکر شد تمام

ایرادات و کیل معنوی را که اظهار نظر کارشناسان انتخابی نمودار و آئینه تمام نمای آن میباشد با معاینه دقیق محل و استدلالات مفصل رد کرده است بعلاوه مطالعه این پرونده موجب میشد بازپرس و دادیار استدراک کنند اسری که از طرف مقامات صلاحیتدار مخصوصاً دیوان عالی کشور رسیدگی شده و حکم قضیه مختومه را پیدا کرده تجدید رسیدگی آن مخالف قانون است.

۳ - یکی از نقائصی که دادیار رفع آنرا تقاضا نموده مطالعه پرونده تخلفات مأمورین اداره ثبت املاک است اگر بازپرس درخواستن این پرونده مقاومت نمیکرد و به الحاقات و تحریقاتی که در پرونده معنوی صورت گرفته واقف میشد به اظهار نظر کارشناسان انتخابی خود ترتیب اثر نمیداد و حتی وسائل تعقیب کارشناسان مزبور را که درخواستی غیر طبیعی بودن پرونده ثبتی را منعکس سازند طبق فقره سوم داور بر «هرگاه کارشناس در اظهار عقیده کتبی یا زبانی راجع با مرجع قضائی تمام واقع را ذکر نکند» فراهم میساخت.

خطیئات قضائی دیوان جنائی

الف - در آئین دادرسی کیفری در مبحث معاینات محلی ماده ۷۳ به کلیه اشخاصی که در امر جزائی شرکت دارند اجازه داده در حین معاینات محلی حاضر شوند وضع این ماده برای این است که حاکم و یا قاضی تحقیق اظهارات طرفین را استماع کنند تا بتوانند روی موازین حق و عدل قضاوت نمایند ولی چنانچه بعضی اشخاص شرکت دارنده در امر جزائی حضور داشته و بعضی نداشته باشند ممکن است القائات و توضیحات نا صواب یک طرف قاضی را اغفال نماید در صورتیکه هرگاه همه اشخاص حق حضور داشته باشند اگر یک طرف بر خلاف واقع اظهاری نماید دیگری بان اعتراض میکند و قاضی تحقیق بهتر میتواند حقیقت را از خلال اظهارات متضاد آنها کشف نماید در قضیه مورد بحث باز پرس طبق صفحات ۴۸ و ۵۶ و ۵۷ و ۵۸ چنین نوشته: «دفتر ضمن آنکه هر سه نفر کارشناس را در یک موقع احضار مینمائید همان وقت را بوکیل شاکی ابلاغ کنید و در ابلاغ وقت بوکیل شاکی تذکر داده شود که مبلغ ۴ هزار ریال دستمزد سه نفر کارشناس را فعلاً تودیع نماید خود اینجانب نیز روز مزبور جهت معاینه محل خواهی رفت «دفتر هم طبق این دستور روز دوشنبه ۲۱/۷/۳۷ ساعت ۹ صبح وقت معین نموده و وقت مقرر را ابداً به متهمین اطلاع نداده تا آنها هم اگر خواستند حضور بهم رسانند دستور صریح بازپرس در احضار کارشناسانی که برفع شاکی اظهار نظر نموده اند

وقتی وکیل او و عدم احضار متهمین و دادیار علاوه بر اینکه یکی از نقائص عمده رسیدگی را تشکیل میدهد تمام اقدامات بازپرسی را در این پرونده مشکوک میسازد در موقع تقاضای متهمین هم باینکه جاده فیروز بهرام در حضور آنها در محل مساحی شود اعتنائی بتقاضای آنها نکرده و بعد هم که دادیار این عدم توجه را یکی از نقائص میشمرد بحرف او هم ترتیب اثر نداده است.

طبق صفحه (۱۳۱) اوراق استنطاقیه بازپرس در جواب اظهارات متهمین منطق و استدلالی اقامه نمیکند و بذکر جمله «استدلالات بچگانه که سه نفر مهندس فوق کرده اند بهیچ وجه مقنع وجدان نیست» اکتفاء میکند با این تخلفات بین بازپرس که قلم تردید

بر تمام تحقیقات او میکشد آیا سزاوار نبود دیوان عالی جنائی حال که برخلاف قانون برای خود صلاحیت قائل شده اقدام به معاینه محل با حضور تمام اشخاصی که در امر جزائی شرکت دارند بنماید؟ از ماده (۲۵) آئین دادرسی محاکم جنائی بخوبی محرز میگردد که تمام اقدامات هر بازپرسی باید در دیوان جنائی مورد بررسی دقیق قرار گیرد تا حکم صادر شده که غالباً تماس باجان و یا حیثیت اشخاص دارد مقرون بصواب باشد در دعوی داود معنوی معاینه محل بیش از سایر اقدامات در کشف حقیقت تأثیر داشته و متأسفانه دیوان جنائی در انجام وظیفه قانونی خود تصور ورزیده است در امور حقوقی محاکم غالباً مبادرت به معاینه محل سینمایند در امور جزائی که استکاک با حیثیت اشخاص دارد بطریق اولی باید معاینه محل انجام گیرد.

ب - همانطوریکه فوقاً اشعار شد دلیل مهم شاکتی در سوء نیت کارشناسان نوار ضبط صوت است که متأسفانه دیوان جنائی بمشابه بازپرس برای تشخیص صحت و سقم آن اقدام نکرده است طبق صفحه (۱۲) اوراق دادرسی دیوان جنائی پس از بکار افتادن دستگاه ضبط صوت آقایان امینی و شهید زاده اظهار داشته اند «آیا از این نوار چیزی مفهوم شد» شهیدزاده مجدداً اظهار داشته «منکه از این نوار چیزی نشیندم» مهندس خانمی نیز اظهار داشته: «من که چیزی نشیندم و اصلاً نفهیدم کدامش من هستم و در جلسه بازپرسی اظهار داشته که نه بمنزل مهندس ساعد رفته ام و نه با آنان صحبت کرده ام» پس از این اظهارات دادگاه اقدام دیگری برای رسیدگی نوار بعمل نیاورده است راست است که دادگاه در حکم خود اسمی از نوار ضبط صوت نبرده و تنها وجود سوء نیت متهمین را متذکر شده است ولی حق بود همانطوریکه فوقاً متذکر شده ام برای تشخیص صدا و صحت و سقم انتساب آن به متهمین دیوان جنائی با توسل باصول فنی مبادرت برسیدگی مینمود تا حقیقت قضیه معلوم شود زیرا اگر پس از رسیدگی مسلم میگردد که اساساً نوار ضبط صوت صورت تصنعی دارد این خود تأثیر زیاد در جلوه گر ساختن مقصود شاکتی داشت و دادگاه ایقان پیدا میکرد که با این دستاویز خواسته است راهی تعبیه کند تا حکمی را که اعتبار قضیه مقضی و بها پیدا کرده مخدوش سازد.

ک - دیوان جنائی یکی از قوائم محکومیت متهمین را مجموع محتویات پرونده حقوقی و ثبتی و صورت مجلس تحدید حدود مورخ ۳۰۹ قلعہ سلیمان قرار داده است شاید دیوان جنائی برای مدلل جلوه دادن رأی خود تنها اکتفاء باحصاء آنها کرده است والاچطور ممکن است عدم انطباق اظهار نظر کارشناسان مهم با پرونده ثبتی که در معرض ایرادات تقلبات و الحاق و اقدامات ناهنجار قضائی قرار گرفته و پس از رسیدگی های دقیق معلوم گردیده تعریفاتی در آن صورت پذیرفته یکی از مبانی استدلال دیوان جنائی قرار گیرد پرونده حقوقی که طبق آن در دو نوبت کارشناسان مختلف اظهار نظر مشابه کرده و دو دادگاه حقوقی با معاینه دقیق محل و استدلالات مشبع داود معنوی را محکوم به بیحقی نموده و دیوان کشور هم آنرا تأیید کرده هرگز دیوان جنائی را مجاز نمیساخت مجدداً و برخلاف صلاحیت خود اقدام بر تشخیص یک قضیه مربوط به مالکیت کند و بالنتجه متهمین را محکوم نماید دیوان جنائی با ملاحظه معاینه محلی یک جانبه بازپرس که نه متهمین را در آن شرکت

داده و نه داد یار را چطور بخود اجازه داده بدون معاینه محلی تضایف کند که نظریه مهندس مکتون و معاینه محلی در حکم دادگاه شعبه ه شهرستان و نظریه مهندسین متهم و معاینه محلی دادگاه شعبه (۱۰) استان مرکز و حکم دیوانعالی کشور و نظریه سه مهندس ثبت (مهندس نواب و مهندس پور تیمور و مهندس نورائی) و نماینده ثبت (اشتری) مقیم بوده و تنها اظهار نظر کارشناسانی که عدم صلاحیت بعضی از آنها از طرف دکتر برزگر تذکر داده شده صحیح میباشد آیا دیوان جنائی واقف نبوده که تعیین حد فاصل بین خرگوش دره و حسین آباد معروف بقلعه سلیمانخان یکی امر حقوقی تلقی شده و رسیدگی بآن در صلاحیت دادگاه حقوقی است و چنانچه قرار و یا حکمی در این قسمت از طرف مقامات جزائی صادر شود از جهت عدم بصارت آنها لاغی الاعتبار میباشد.

ل - دیوان جنائی هر یک از دو متهم پرونده را طبق تقاضای وکیل معنوی به پانصد هزار ریال محکوم کرده است دیوان مزبور که مدعی مطالعه پرونده حقوقی و ثبتی است باید توجه کرده باشد که اعلام عدم حقانیت داود معنوی تنها مربوط باظهار نظریه کارشناسان متهم نبوده بلکه متکی باظهار نظر مهندس مکتون و معاینه محل و رأی دادگاه شعبه (ه) شهرستان و معاینه محل و رأی دادگاه شعبه (۱۰) استان و اظهار نظر مهندس نورائی مهندس پور تیمور و مهندس نواب و اشتری بوده است حال که دیوان جنائی برخلاف اصول مسلمه قضائی در تعیین حد فاصل بین خرگوش دره و حسین آباد برای خود صلاحیت قائل شده و آراء محاکم حقوقی و دیوانکشور را مخدوش دانسته سزاوار بود از شاکی بخواهد کلیه خسارات خود را معلوم کند تا پس از تسهیم آن بین آنان سهم دو متهم پرونده را معلوم و سپس اندو را محکوم نماید متأسفانه چون داود معنوی بنحو بالامطالبه خسارت کرده دیوان جنائی بدخواه اورفتار کرده است در صورتیکه مکلف بوده طبق ماده (۴۰) آئین دادرسی کیفری محاکم جنائی (حکم و ضرر و زیان مدعی خصوصی را با توجه بادل و قرائن و اوضاع امر بنظر خود صادر کند)

عواقبی که ابرام رأی دیوان جنائی در برخوردار داشت

چون قرار بازپرس و کیفرخواست داد یار و رأی دیوان جنائی ضربت شگرفی باصول قضا و عدل و نصفت زده لازم میدانم در اختتام اظهار عقایدم آثار مضره ابرام رأی دیوان جنائی را باستحضار برسانم.

۱ - اولین اثر ابرام رأی دیوان جنائی اختلال نظم قضائی و بی پایانی رسیدگی دعاوی خواهد بود با تشریحات مفصله فوق الأشعار هیئت مستشاران شعبه ۲ توجه فرمودند که دادگاه شهرستان نسبت بدعوی اعتراض و دادگاه استان نسبت بدعوی طاری پس از انتخاب چهار کارشناس و معاینات محلی و استدالات قضائی بالنتیجه حکم محکومیت معنوی را صادر کردند دیوانکشور هم که طبق ماده (۵۶۵) آئین دادرسی مدنی مکلف است چنانچه برگهائی که اساس اصول و کیفیاتی که برای تأیید حکم در خود حکم مندرج است یا از اسناد و نوشتجاتی که طرفین درحین دادرسی ابراز کرده اند عدم صحت مندرجات مذکور را تشخیص دهد حکم باقرار را نقص کند بواسطه اصابت نظر حکام شهرستان و (۱۰) استان احکام آنانرا ابرام کرده است هیئت ه نقری نیز باستناد حکم دیوانعالی کشور حکمی داده که بطور غیر مستقیم منتهی بضرر معنوی گردیده است.

پس از این جریانات شاکی باین فکر افتاد که بابت ابع تمهیدات احکام صادره را بلا اثر کرده و راهی برای اعاده دادرسی تعبیه نماید برای نیل باین مقصود نوار ضبط صوتی تهیه کرد و مدعی شد که کارشناسان انتخابی شعبه (۱۰) استان مرکز پس از تسلیم نظریه خود بدادگاه از من مطالبه پول کردند تا اظهار نظر مجددی تسلیم دادگاه کنند و برای تهیه مدرک طبق صفحه یک اوراق استنطاقیه اظهار داشته: «من قبلاً دستگاه ضبط صوت را بمنزل آقای نونهال بردم و بایشان یاد دادم که چطور بادستگاه کار میکنند و با تلفون ارتباط میشود پس از تهیه نوار ضبط صوت که تا بحال معلوم نشده آیا واقعاً منتسب بدو کارشناس انتخابی دادگاه شعبه (۱۰) استان هست یا نه بدادسرای تهران مراجعه و بطفیل آن ادعا کرده که اظهار نظر کارشناسان چون خلاف واقع بود و در حکم صادر مؤثر افتاده است تقاضای تعقیب کیفی آنها را دارم باز پرس از بکار انداختن نوار و تعیین کارشناس و معاینه محلی که تماماً بدون حضور دادیار و متهمین بوده با حضار متهمین و اصدار قرار کفیل که منتهی ببازداشت یکی از آنها برای مدتی شده مبادرت کرده است و بعداً که در معرض ایراد دادیار مبنی بر عدم رسیدگی نوار واقع میشود نوار را از اعداد دلائل خارج میکند و در عین حال در قرار تعقیب آنها یکی از مؤیدات بزهکاری و سوء نیت قلمداد میکند با این جریانات هیئت حاکمه شعبه ۲ دیوان کشور ملاحظه میفرمائید که ادعای شاکی در خلاف واقع بودن گزارش بدون دلیل بوده و یا وجود این توانسته تا مرحله دیوان کشور حکم شعبه ۵ دادگاه شهرستان و حکم شعبه (۱۰) دادگاه استان مرکز و حکم سابق دیوان عالی کشور و حکم هیئت ۵ نفری را لاغی الاعتبار جلوه دهد.

دیوان جنائی که یک کاخ رفیع عدالت بشمار میآید و باید تمام موشکافیهای لازم را بنماید تا در نهایت ایقان و بصیرت حکم صادر شود اقتدا به باز پرس و دادیار دعوی کرده و بالنتیجه حکمی صادر کرده که در تاریخ قضائی ایران بدیع میباشد. آیا دیوان جنائی توجه نداشته که بصرف ادعا نمیتوان حکمی را که اعتبار قضیه مقضی و بها پیدا کرده متزلزل ساخت.

آیا شایسته بود دیوان جنائی به تحقیقات باز پرس که از مجموع آن جانب داریش از شاکی استشمام میشود اعتماد کند؟

آیا بازپرسی که در امر حقوقی حق مداخله ندارد معذالک بصرف ادعای شاکی وارد انتخاب کارشناس و معاینه محلی برای یک قضیه حقوقی میشود،

بازپرسی که در تحقیقات محلی دادیار و متهمین را بیگانه دانسته و از حضار آنان خود داری و اکتفاء با حضار اشخاصی میکند که طرفدار شاکی هستند،

بازپرسی که وقتی متهم را جمع باثبات کم بودن مساحت تقاضا میکند در محل مساحی شود بی اعتنائی میکند،

بازپرسی که از رسیدگی به انتساب و عدم انتساب نوار ضبط صوت به متهمین خود داری کرده و بالنتیجه آنها از اعداد دلائل خارج میکند ولی در قرار تعقیب آنها یکی از مؤیدات بزهکاری متهمین قرار میدهد، بازپرسی که معلومات قضائی او بعدی است که اتهامات جنائی را بدون وجود سوء نیت قابل تعقیب میداند،

بازپرسی که بین اظهار عقیده بر خلاف شهودات و گزارش خلاف واقع مؤثر در حکم قادر بدرک فرق آندونیست ،

بازپرسی که اظهار عقیده کارشناسان را همینکه با پرونده ثبتی که مشحون از تقلبات گوناگون مطابق ندید آنرا خلاف واقع تلقی میکند ،
بازپرسی که بجای رد استدلالات متهمان با دای جمله «استدلالات بچگانه متهمان اکتفا میکند» ،

بازپرسی که از فرط جانبداری از شاکی از انجام قسمت اعظم تقاضاهای هفتگانه و دادیار که مؤثر در کشف حقیقت است سر باز میزند .

آیا قرار چنین بازپرسی قابلیت دارد که دیوان جنائی آنرا قبله رأی خود سازد دیوان جنائی اگر پرونده ثبتی و تقلباتی که در آن شده ملاحظه میکرد متوجه گزارش مهندسین ثبت و تصمیم مدیرکل ثبت دائر بر ابطال نقشه که به تقلب وارد پرونده شده میشود و دیگر باظهارات بی اساس حیدری که چندی منتظر خدمت شده بود و محمد سجادی انکاء نمیکرد .

دیوان جنائی اگر به پرونده حقوقی مراجعه میکرد میدید قضات ذیصلاحیت دادگاه شعبه ۱ دادگاه استان مرکز با استدلالات مفصلی اعتراضات معنوی را بر اظهار نظر کارشناسان متهم از لحاظ فواصل میله ها و حقوق ارتفاعی و صورت تحدید حدود رد کرده اند .

دیوان جنائی اگر پرونده حقوقی را عمیقانه ملاحظه میکرد متوجه میشد که کارشناس انتخابی دادگاه شعبه ۲ شهرستان و تحقیقات محلی حاکم آن و کارشناسان انتخابی شعبه (۱) و تحقیقات محلی هیئت حاکمه و استدلالات متفرسانه آنها و حکم دیوانکشور و گزارش سه مهندس ثبت که با حضور عده ای از کارمندان ثبت صورت گرفته با گزارش سه کارشناس معنوی مباینت دارد و چنانچه بخواهد نظریات آنان را بی اعتبار سازد باید استدلالات تمام اشخاصی را که در اظهار عقیده بر علیه معنوی شرکت داشته اند رد کند و اکتفاء به یک صفحه حکم که متضمن گزارش و دلائل است نکند زیرا این اختصار در قبال اظهار نظر مفصل مقامات فوق الذکر دیوان جنائی را در معرض اتهام ناتوانی در قضاوت قرار میدهد .

هیئت مستشاران شعبه ۲ دیوانکشور با امعان نظر برسطور فوق ملاحظه میفرمایند که اگر حکم دیوان جنائی که مشحون از نقائص قضائی است ابرام میشود در آئیه دیگر نباید انتظار داشت که مدت دعاوی در دادگستری پایان و فرجامی داشته باشد زیرا ابرام این رأی این باب را افتتاح میکند که تمام احکام باستناد سوء نیت قضات و یا کارشناسان بدون اینکه مقرون بدلیل باشد قابل تعقیب گردد و با این طریق احکام مختومه دیگر در دادگستری ایران مصداقی پیدا نخواهد کرد .

۲ - اثر دوم ابرام این حکم این است که متهمین آن با صحنه سازی محکومیت جنائی پیدا نمایند .

۳ - اثر سوم ابرام این حکم این است که شاکی میخواهد منویات خود را در استرداد سه میلیون متر از اراضی موات با در دست داشتن حکم دیوانکشور تسهیل کند

بنابراین ملاحظه میشود که اهمیت این پرونده برای معنوی از لحاظ تقصیر و تعیین مجازات برای کارشناسان مورد اتهام نیست بلکه محکومیت آنان دارای عواقب و نتایج دیگری برای شاکی از نظر تملک چندین میلیون متر دیگر از اراضی موات میباشد.

۴ - اثر چهارم ابرام این است که شاکی میخواهد با سهولت بتواند آقایان مهندس امیر معزی و مهندس شمس ملک آراء و مهندس بصیر را که بنفع دولت و بضرر او اظهار نظر کرده‌اند جزائاً محکوم نماید و بهمین جهت بر علیه آنان اعلام جرم کرده است زیرا اظهار نظر آنها مخالف اظهار نظر کارشناسان انتخابی بازپرس است از طرف دیگر شاکی میخواهد با ارائه حکم دیوانکشور نظر آنها را در هیئت ۳ نفری تجدیدش کند و بالنتیجه ۸ میلیون متر زمینهای موات را تصاحب نماید.

۵ - اثر پنجم ابرام حکم قدرت نمائی داود معنوی در دادگستری است که توانسته با یک ادعای بدون دلیل احکام شعبه ۵ دادگاه شهرستان وشعبه (۱۰) دادگاه استان وشعبه ۶ دیوانعالی کشور و هیئت ۵ نفری را از اعتبار بیندازد ضمناً یادآور میشود که بانک ساختمانی بر طبق حکم هیئت پنج نفری سه میلیون متر از این اراضی را تصرف کرده و در نظر دارد برای سکونت مردم در قسمتی از این اراضی خانه های کوچک ساخته و باقسط واگذار نماید داود معنوی باستناد حکمی که در محکومیت کیفری کارشناسان مورد این پرونده صادر شده بوسیله مطبوعات مردم را از معامله خانه های که بانک ساختمانی در نظر دارد در اراضی خرگوش دره در کیلومتر ۳ کرج بسازد بر حذر داشته است بانک ساختمانی در این مورد جوابی داده که در جرائد درج شده است.

بنابمراست مشروح طبق تبصره سوم ماده ۵۸ آئین دادرسی کیفری تقاضای نقص بلاارجاع حکم را مینمایم البته هیئت مستشاران شعبه ۲ دیوانعالی کشور طبق ماده ۲۹ آئین دادرسی محاکم جنائی با استعانت از خدا که ناظر نیت و اعمال ماست به تکلیف قانونی و وجدانی خود قیام و اقدام خواهند فرمود.

در خاتمه متذکر میشود که بانک ساختمانی در مورد اراضی خرگوش دره نقشه ها و مدارکی دارد که مطالعه آن در کشف حقیقت بی تأثیر نیست.

دادستان کل دیوانعالی کشور. دکتر علی آبادی

«فهرست اوراق پیوست بشرح زیر است :

۱ - رونوشت گزارش مهندسین ثبت

۲ - رونوشت دستور شماره ۶۵۹۲/۲۰۴۵۴ اداره کل ثبت بضمیمه رونوشت گزارش

۱۳۳۶/۷/۱۵

۸۸۵۶

۱۳۳۶/۷/۱۵

۳ - رونوشت گزارش مهندس امیر معزی و مهندس شمس ملک آراء و مهندس بصیر که وزارت دادگستری برای استحضار اینجانب ارسال داشته است.

۴ - شرحی که شرکت تعاونی ساختمانی کارمندان نفت نگاشته و اساسنامه آن.

۵ - خلاصه پرونده کارشناس حبیب گرانبایه که در اداره فنی موجود است.

۶ - رونوشت صورت تحدید حدود که در آن به قسمتهای پاره شده اشاره شده است.

۷ - رونوشت قرار معاینه محلی مهندس متین در تاریخ ۳۶/۱۲/۶
مشاور نموده چنین رأی می‌دهند :

اولاً چون در امور نظری تعقیب کیفری صاحب نظر مادامی که بسوء نیت مقرون نباشد قانوناً وجهه و ملاکی ندارد و در این پرونده دادگاه بدون توجه باین امر متهمین را بعنوان اینکه نظر و نقشه شان با نظر و نقشه مهندسین انتخابی بازپرس مخالف است با استناد بماده ۲۸ قانون کارشناسان بزهکار دانسته و آنان را محکوم نموده است در صورتیکه مورد با آن ماده تطبیق نمی‌نماید زیرا تعیین مسیر جاده فیروز بهرام بکن (حد فاصل دو ملک خرگوش دره و حسین آباد) مورد اختلاف بوده و برای حل این مشکل اداره ثبت اسناد و دادگاه‌ها و سایر مقامات رسمی هر یک دسته‌ای از مهندسین را انتخاب نموده و هر دسته از آنان نقشه و نظری داده اند که کم و بیش با هم اختلاف دارند بنا بادعای مهندسین متهم نقشه و نظر آنان صحیح بوده و با نقشه و نظر سایرین بجز مهندسین انتخاب شده بازپرس مقارن و بلکه یکی می‌باشد و دادگاه قبل از رسیدگی و احراز خلاف ادعای متهمین و ثبوت سوء نیت آنان (با انصراف از نوار ضبط صوت که از عداد دلائل خارج شده) و ذکر دلیل از حجیت نقشه و نظر مهندسین انتخابی بازپرس در امری که نظری بوده حکم بمعکوسیت متهمین داده است .

ثانیاً - نسبت به نقشه منتسب بمهندس تاج بخش موجود در پرونده ثبتی که مورد استناد دادگاه و بازپرسی بوده مهندسین متهم با استناد پرونده ثبتی مدعی بطلان و جعلیت آن شده اند و این مطلب مؤثر در وضعیت متهمین بوده مورد توجه دادگاه واقع نشده است .

ثالثاً - نقشه شماره ۳ که حسب ادعای مهندسین متهم بدستور مدیر کل ثبت از طرف سه نفر مهندس اداره مزبور (آقایان نواب و پور تیمور و نورانی) و برای پرونده حسین آباد ترسیم شده مورد استناد متهمین بوده و دادگاه در جلسه مقدماتی آنرا خواسته و قبل از ابراز و مراجعه بان و ذکر علت انصراف مبادرت بصدور رأی نهائی نموده است .

رابعاً - با آنکه محل میله‌های ۴ و ۵ جاده فیروز بهرام بکن در نقشه ترسیمی متهمین نمایانده شده و مشارالیهم اظهار داشته‌اند که فواصل آنها در نقشه مزبور با مندرجات صورت مجلس تحدید حدود تفاوت فاحش ندارد و بلکه کاملاً نزدیک بهم اند و برای اثبات این موضوع در خواست معاینه محل و مساحی فواصل میله‌ها را نموده‌اند معذالک در این خصوص با اینکه انجام این تقاضی ممکن التاثیر و در قضیه اتهام بوده دادگاه اقداسی ننموده است .

خامساً - با آنکه پرونده‌های دادگاههای مدنی و هیئت پنج نفری و نقشه‌های موجود در آنها و نقشه هوائی سازمان نقشه برداری کل کشور از طرف متهمین مورد استفاده واقع و ممکن بوده که دادگاهها با مراجعه بانها حکم دیگری بدهد ولی قبل از انجام این درخواست حکم محکومیت صادر نموده است .

سادساً - دادگاه نقشه و نظر کارشناسان شعبه بازپرسی را در حکم خود در عداد دلائل ذکر کرده در صورتیکه نه طرز انتخاب آنان از طرف بازپرس صحیح بوده و نه بحالت

اجتماع چنین صلاحیتی برای اظهار نظر و ترسیم نقشه داشته‌اند زیرا قانون برای انتخاب کارشناس به نحو استقراع لازم است که اساسی چند نفر نوشته شده وعده لازم از میان آنان انتخاب شود ولی در پرونده بازپرسی منعکس که بین چند نفر استقراع بعمل آمده و اشخاصی که قرعه باسم آنان اصابت نکرده چه اشخاصی بوده‌اند و بعلاوه نامه شماره ۶۰۷/۴-۱/۱۰/۶ اداره فنی حاکی است که از سه نفر مهندسين فوق‌الاشعار فقط آقای مهندس محمد علی مروارید در تطبیق اسناد مالکیت و تعیین حدود املاک و نقشه برداری درین قسمت که موضوع کارشناس بوده در سال ۱۳۳۷ حق کارشناسی داشته و دو نفر دیگر از محمد علی مروارید در تطبیق اسناد مالکیت و تعیین حدود املاک و نقشه برداری درین قسمت که موضوع کارشناس بوده در سال ۱۳۳۷ حق کارشناسی داشته و دو نفر دیگر از آنان واجد چنین صلاحیتی نبوده‌اند و بالاخره مستخرجه پرونده کارشناس آقای حبیب‌الله گرانپایه حاکی است که ایشان در رشته مهندسی مدرک علمی ندارند و بهمین جهت پروانه نامبرده تمدید نشده است.

سابعاً - چون در نقشه ترسیمی متهمین فقط محل میله‌های ع و ه جاده فیروز بهرام بکن تعیین شده و موضوع کارشناس هم راجع بازاضی قسمت شمال جاده مخصوص است و اراضی دیگر و جای بقیه میله‌های (مورد احتیاج دادگاه نبوده والا دادگاه از مهندسين متهم میخواست که مکان بقیه میله‌ها را) نیز تعیین نموده و نقشه و نظر خودشان را تکمیل نمایند با این وصف تعقیب کیفری متهمین زاین حیث با آنکه دادگاه شعبه ۱ استان این گونه ایرادهای وکیل آقای معنوی را مستنداً رد کرده و حکم در دیوانکشور هم ابرام شده قانوناً صحیح نمیباشد بنا براتب مرقومه حکم فرجام‌خواسته در هر دو مورد کیفری ومدنی مخدوش است و مطابق ماده ۳۰۴ قانون آئین دادرسی کیفری نقص و بدستور ماده ۸ قانون تشکیل محاکم جنائی مصوب سال ۱۳۳۷ رسیدگی بشعبه دیگر دادگاه جنائی استان مرکز ارجاع میشود.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی